



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

امام محمد باقر



بزرگداشت امام محمد باقر

سخنرانی حضرت آیت الله سید حسن فقیه امامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شهادت امام محمد باقر (علیه السلام)

نویسنده:

حسن فقیه امامی

ناشر چاپی:

مدرسه علمیه ذوالفقار اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	شهادت امام محمد باقر علیه السلام
۶	مشخصات کتاب
۶	متن سخنرانی
۱۹	پاورقی ها
۲۱	درباره مرکز

مشخصات کتاب

سخنرانی حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی «حفظه الله»

ویژه شهادت امام محمد باقر علیه السلام

متن سخنرانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لَوْلَايِهِ وَالشُّكْرُ عَلَى نِعْمَائِهِ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ أَنْبِيَائِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الْعَرَبِيِّ الْمَكِّيِّ الْمِدَنِيِّ الْأَبْطَحِيِّ التَّهَامِيِّ سَيِّدِنَا أَحْمَدَ وَنَبِيِّنَا أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَاللَّعْنَةُ الدَّائِمَةُ الْأَبَدِيَّةُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ وَمُخَالِفِيهِمْ وَمُعَانِدِيهِمْ أَجْمَعِينَ مِنْ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ.

شهادت پنجمین اختر تابناک ولایت و امامت آقا امام محمد باقر علیه السلام را به ساحت مقدس حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - و همه شیعیان آن بزرگوار تسلیت می گوئیم.

مناسب دیدم در رابطه با حضرت امام باقر علیه السلام که چه خدماتی داشتند و این بزرگوار برای ما الگو و اسوه ای هستند در این خدماتی که برای شما بیان می کنم.

اولاً نام گذاری این بزرگوار به امام باقر بوسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بود.

حضرت به جابر بن عبدالله رحمه الله فرمودند: تو فرزند مرا درک می کنی که یَبْقُرُ الْعِلْمَ (شکافنده علم است) پس سلام مرا به او برسان. (۱)

جابر تا زمان امام محمد باقر علیه السلام زنده ماند و سلام رسول گرامی اسلام را به آن حضرت رسانید.

بَقْرُ به معنای شکافتن است، مثلاً برای اینکه زمین را بشکافند تا آن نیروهای زیر زمینی را احیاء کنند این را بَقْرُ می گویند و باقر به معنای شکافنده است حال چه چیزی را می شکافد. پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمودند: علم را می شکافد.

این شکافتن علم به چه معنا است؟

مقدمتاً مطلبی را بیان می کنم، از زمان رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله تا برسد به زمان امام باقر علیه السلام،

پیامبر اکرم و ائمه طاهرين عليهم السلام مثل امير المؤمنين مطلب را می گفتند ولی مردم قدرت تجزیه و تحلیل آن را نداشتند. یعنی این قدر رشد فکری نداشتند که اصول را گرفته و فروع را از آن استخراج کنند. ائمه باید اصول را می گفتند و مردم باید فروع را از دل اصول بیرون می آوردند مثل کاری که الآن فقها می کنند. اصول و قواعد کلیه را از ائمه گرفته اند و خودشان فروع را با اصول تطبیق می دهند و معنای فقه همین است.

هر چه ائمه عليهم السلام در آن زمان می گفتند مردم مثل ضبط صوت آن را ضبط می کردند حافظه آنان بسیار قوی بود. آن خطبه های طولانی و مفصل امیرالمؤمنین را ضبط می کردند ولی در حدی نبودند که روی مطالب کار کنند و از آن استفاده های کلان ببرند.

در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله آن دو خلیفه نابحق نگذاشتند احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله نشر پیدا کند حتی از چیزهایی که مردم می توانستند حفظ کنند جلوگیری کردند که از پیامبر صلی الله علیه و آله چیزی نقل نشود.

صد سال طول کشید در ظرف این صد سال مردم جرأت نداشتند که بگویند: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله».

بعد از صد سال که عمر بن عبدالعزیز بر سر کار آمد و دیگر دوران بنی امیه رو به ضعف و پایان بود سیاست عمر بن عبدالعزیز اقتضا می کرد که مقداری آزادی بدهد و اجازه داد احادیث رسول خدا نقل شود ولی زمانی اجازه داد که دیگر محدثین مرده بودند و از پیامبر چیزی در دسترس نداشتند.

البته پیروان امیرالمؤمنین در خفا احادیث را حفظ کرده بودند ولی کفایت نمی کرد.

اولین خدمتی که امام باقر علیه السلام کردند

نشر احادیث رسول خدا بود.

از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله تا امام باقر علیه السلام چندین سال فاصله بود و می بایست روایات سند متصل داشته باشد.

از امام باقر علیه السلام سوال شد، سند متصل روایاتی را که شما از رسول خدا نقل می کنید چیست؟

ایشان فرمودند: هر آنچه می گویم از پدرم امام چهارم حضرت سجاد علیه السلام نقل می کنم که در بزرگواری، عصمت، زهد، تقوا، علم و فضیلت ایشان کسی تردیدی نداشت. آنچه ایشان نقل کرده اند از پدرشان امام حسین علیه السلام و آن حضرت از پدرشان مولا امیرالمؤمنین علیه السلام و ایشان از رسول خدا صلی الله علیه و آله که این سلسله سند معتبرترین سلسله سند احادیث است. (۲) و بوسیله امام باقر علیه السلام که حافظ همه احادیث پیامبر و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند روایات پیامبر اکرم نشر پیدا کرد و مردم توانستند از طریق امام باقر علیه السلام با سنت پیامبر اکرم آشنا شوند و این بزرگترین خدمتی بود که امام باقر علیه السلام به دین مبین اسلام کردند.

بسیاری از احادیث را حتی علما و محدثین عامه از امام باقر علیه السلام نقل کرده اند.

نشر حدیث، حدیث سالم است، نه حدیث انحرافی و تحریف شده.

البته می دانید اهل سنت چون به سنت پیامبر دسترسی نداشتند شروع به جعل احادیث کردند. ده هزار، بیست هزار، کمتر یا بیشتر به عنوان فعل ثواب دروغ نقل حدیث کردند.

اگر می خواهید این مطلب را خوب بدانید و باور کنید به کتاب الغدیر مراجعه کنید. مرحوم علامه امینی رحمه الله به عنوان سلسله الوضّاعین بحثی دارند. (۳)

خود سنتی ها نوشته و اقرار کرده اند که جعل احادیث را ثواب می دانستند و چیزهایی را که به ذهنشان خوب می آمد از قول رسول خدا

می گفتند تا مردم آن ها را باور و بدان عمل کنند چون اگر استناد به رسول خدا نمی شد مردم زیر بار نمی رفتند به همین علت بازار جعل حدیث بسیار داغ بود.

اما اگر احادیث معتبر و صحیح را می خواستند هیچ راهی نداشته جز این که به امام باقر علیه السلام مراجعه کنند.

بقر از همین جا است. این چیزهایی که زیر پوشش تقیه نهفته شده و پنهان بود حضرت پرده ها را عقب زدند و حقایق را برای مردم شکافتند و این اولین خدمت امام باقر علیه السلام بود.

حضرت دومین خدمت را به فقه کردند یعنی تا زمان امام باقر علیه السلام این فقهی که امروز مصطلح ما است که مراجع قوانین را می گیرند و مشکلات فروع را از طریق این قوانین حل می کنند.

برای مثال: از امام می پرسند اقل حمل چقدر است؟ یعنی یک زن چند ماه که بگذرد می تواند وضع حمل کند؟

حضرت می فرماید: شش ماه. از ایشان دلیل می خواهند. اینجاست که خاصیت فقه معلوم می شود. حضرت دو آیه را کنار هم می گذارند و با استفاده از این دو آیه اقل حمل را شش ماه می دانند.

آیه اول: «وَ حَمْلُهُ وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» (۴)

دوران آبستنی زن و شیر دادن او سی ماه است.

آیه دوم: «وَ الْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنَمِّمَ الرِّضَاعَةَ» (۵)

یعنی کسی که می خواهد شیر کامل بدهد دو سال بایستی شیر دهد.

دو سال بیست و چهار ماه است و حمل و فصال سی ماه می باشد. بیست و چهار ماه را از سی ماه کم می کنیم شش ماه می شود این فقاهت است. (۶)

فقاهت به این صورت نبود. امام باقر علیه السلام علم فقه را که استنتاج فروع از اصول باشد پایه

گذاری کردند.

فقهای عامّه این چیز را نداشتند که بتوانند از آیات قرآن و سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله استفاده کنند ناچار شدند که به آراء خودشان استناد کنند مثل ابی حنفیه و امثال او.

آن ها آنچه را به فکرشان می رسید ملاک قرار می دادند و حکم می کردند. حکم آنان مستند به کتاب و سنت نبوده و ریشه نداشت.

«وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ» (۷)

قرآن کلمه طیبه را می فرماید. ریشه کلمه طیبه در زمین است ریشه دار است و مثل کلمه خبیثه مثل آن گیاهی است که ریشه اش در اعماق زمین نیست و سطحی است.

«ما لَهَا مِنْ قَرَارٍ» (۸) ریشه ندارد.

این یک چیز منطقی است، خوب دقت کنید ببینید خدمتی که امام باقر علیه السلام به فقاهت کرده اند چه بود؟

قرآن اجازه نمی دهد کسی جز خدا حکم صادر کند.

«وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» (۹)

کسی حق قانون گذاری ندارد این حقی است که «لَهُ الْحُكْمُ» (۱۰) حکم مختص به خدا است.

پیغمبر خدا به خودشان اجازه نمی دادند که بدون اذن خدا حکمی صادر کنند. در تغییر قبله جوری بود که مدت ها پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله سرشان به طرف آسمان بلند بود تا وحی شود و دستور تغییر قبله بیاید.

«قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا» (۱۱)

وقتی که در نماز به پیغمبر خطاب شد: «فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ» (۱۲) پیغمبر با آن عظمت امکان نداشت بدون اذن خدا حرفی بزنند. گفت: «وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ ۚ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ۗ ۵۴ء» (۱۳)

خداوند پیغمبر را تهدید کرده که اگر یک کلمه بدون اتکای به وحی چیزی بگوید رگ حیاتی او را قطع می کنیم و قدرتش را از او می گیریم.

«مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ»

پیامبر گاهی مدّت ها به انتظار وحی می نشست تا یک حکم صادر شود و این ها می گفتند: خیر.

ابی حنیفه در چهل مسئله گفت: «قال رسول الله كذا و انا اقول كذا». با قیاس از ذهنتی های خودش و با طرز تفکر خودش.

پس این ها ریشه ندارد و ریشه اش به طرز تفکر ابی حنیفه می رسد.

امام باقرعلیه السلام که استاد ابی حنیفه بودند و خود ابی حنیفه به شاگردی حضرت افتخار می کند و می گوید: «لولا سنتان لهلك نعمان» (۱۵) است که اینطور افتخار می کند.

امام باقرعلیه السلام به خود اجازه نمی دادند که از خودشان چیزی بگویند، استناد به سنت پیامبر و قرآن کریم می کردند و باب فقه را این گونه باز کردند.

می دانید فقه، استنباط حکم از ادله تفصیلی است. این فقاهاست. ریشه افکار امام یا کتاب بود که قرآن باشد و یا سنت که از پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل حدیث می کردند.

بنابراین کلمه ایشان، کلمه طیبه بود که ریشه اش وحی بود.

ما چقدر باید افتخار کنیم که پیرو مکتبی هستیم که ریشه دار است.

باب فقاها را امام باقرعلیه السلام باز کردند که هم شیعه ها و هم اهل سنت از آن زمان شروع به تدوین و بحث در مسائل فقهی نمودند. قبل از امام باقرعلیه السلام چیزی به عنوان فقه در بین اهل سنت نبود و شیعه ها نیز در تقیه بودند و جرأت اظهار نظر در مسائل فقهی را نداشتند.

امام باقرعلیه السلام این باب را فتح کردند و علم فقه را که از شریف ترین علوم الهی است را پایه گذاری کردند و نشر دادند.

این خدمت دیگری بود که حضرت امام صادق علیه السلام و دیگر

ائمہ علیہم السلام نیز ادامه دادند و این فقه قویم شیعه را پایه گذاری کردند.

فقه ما فقه اصیلی است. طبق آنچه تحقیق و بررسی کرده اند در کتاب جواهرالکلام شصت هزار مسئله فقهی است که اگر صادقین علیهما السلام نبودند امکان نداشت که هزار مسئله از آن ها را هم بتوان جمع کرد.

و در کتاب وسائل الشیعه مرحوم شیخ حرّ عاملی، احادیثی را جمع آوری کرده که زیر بنای فقه ما است، اکثر آن از امام باقر و امام صادق علیهما السلام است.

ما باید به چنین مکتب و چنین پیشوایانی ببالیم که این فقه قویم را برای ما پایه گذاری کرده اند و این خدمت دیگر امام باقرعلیه السلام به عالم فقه بود.

من بدون اقرار می نوانم در یک ماه، روزی یک ساعت درباره فقه صحبت کنم که اصلاً ماهیتش چیست؟ و چه عواملی دست به دست هم داده تا این فقه جواهری بوجود آمده است.

متأسفانه یک افکاری مثل افکار ابوحنیفه، یک فقه بی پایه و بی مایه و گاهی بر خلاف متن قرآن، در حوزه ها دارد راه پیدا می کند. آدم هائی که مغزهایشان را روشن فکرها شستشو داده و آن ها را از مسیر روایات خارج کرده اند و شروع کرده اند روی همان مبانی قیاس و استحسان و مصالح مرسله و فتح ذرایع کار کنند.

این حرف ها، کم کم در حوزه ها راه پیدا کرده است و بدعت ها دارد گاهی بصورت مسائل فقهی و استفتاء و فتوا نشر پیدا می کند. واقعاً این برای فقه شیعه فاجعه است اسم آن را هم فقه پویا می گذارند و می خواهند بگویند ما طبق شرائط روز فتوا می دهیم.

شرائط روز از کجا گرفته شده است؟ از سازمان حقوق بشر! آن ها فتوا می دهند

و این ها می خواهند فتوا را با روایات و آیات قرآن تطبیق بدهند، نمی شود. اسمش فقه پویا شده است.

فقه خودش در روایات و احادیث ما و در قرآن پویائی دارد و ریشه اش وحی است اما آن پویائی که حضرات می گویند ریشه اش سازمان حقوق بشر است.

برای مثال سازمان حقوق بشر می گوید تعدد زوجات جایز نیست این ها نیز همان حرف ها را نشخوار می کنند.

یا مثلاً فرض در مورد صدق و مهریه زن که این صدق اهانت به مقام مقدس زن است، این بر خلاف صریح قرآن است و... نمی خواهم کم کم پیش برویم.

مرحوم امام می فرمودند: «فقه جواهری فقه سنتی و ریشه دار است».

ریشه اش مغزهای آلوده و مخمور انسان ها نیست، ریشه اش وحی است. اگر توانستیم احکام خدا را به وحی متصل کنیم آن قداست دارد. اگر نتوانستیم باید ساکت بشویم. با این اطلاعات محدود حق دخالت در احکام خدا را نداریم.

فقه چیز بازیچه ای نیست که هر روز دستخوش تفکرات عدّه ای قرار گیرد. اگر کار به قیاس کشید و به جائی رسید که هر کس طبق نظر خودش یا تلقین دیگران بخواهد فتوا دهد هرج و مرج لازم می آید.

خدا نکند این باب در حوزه های ما مفتوح شود که هر کسی از راه می رسد نگاه کند به غربی ها یک گوشش به شرق و یک گوشش به غرب باشد و با طرز تفکر آن ها بخواهد فتوا بدهد نه با «قال الباقر و قال الصادق علیهما السلام».

تا اینجا خدمات امام باقر علیه السلام به فقه بود؛ فقهی که متکی به رسول خدا و رسول خدا متکی به وحی هستند.

خدمت بزرگ دیگری که امام محمد باقر علیه السلام کردند به عالم در «علم تفسیر» بود.

یکی از فجایع و

دردهای بی درمان و خطرهای عجیب که در آن زمان بود این است که یک عده یهودی تظاهر به اسلام کردند مثل: کعب الاحبار، عبدالله ابی و ...

این فجایع بیشتر در زمان معاویه اتفاق افتاد. فقهای اهل سنت همیشه وابسته به حکومت های جائر بودند. کعب الاحبارها در زمان معاویه بوجود آمدند و اسرائیلیات را به خصوص وارد در تفسیر کردند. و این خیانت را به تفسیر کردند که الآن جدا کردن اسرائیلیات از تفسیر کار مشکلی است. تا آن جا که دامن انبیاء را نیز آلوده کردند. مثلاً راجع به حضرت داوود گفتند که حضرت داوود بر بام خانه اش رفته و بر خانه همسایه اشراف پیدا کرده است. (نعوذ بالله) چشم چرانی کرده و چشمش به زن همسایه افتاد و زیبایی زن او را جذب کرد. جنگی به راه انداخت و شوهر زن را به جنگ فرستاد. شوهر زن کشته شد و داوود زن را به عقد خود در آورد.

امام باقرعلیه السلام فرمودند: «هر کس را با این عقیده پیش من بیاورند بر او حدّ جاری می کنم».

و به این طریق با اسرائیلیات مبارزه کردند و مسائلی را که بطور انحرافی در تفسیر بوسیله یهودی ها وارد شده بود تجزیه و تحلیل کردند. و آن مفاهیم اصلی تفسیر را به شاگردان خود تعلیم دادند. و این چنین از حریم قرآن دفاع کردند.

این خدمت ساده ای به قرآن نیست. چون آن ها هدفشان این بود که قرآن را از مسیر اصلی خودش بیرون کنند. اگر بخواهید بدانید که این ها چه خیانتی به قرآن و تفسیر قرآن کرده اند، یک مورّخ مزدور بنی امیه «طبری» که آن تاریخ معروف را نوشته، اکثر آیات

قرآن را با دیدگاه یهودی ها تفسیر کرده است. آن وقت می بینیم عده ای از مورّخین مانند وحی منزل با تاریخ طبری عمل می کنند. وقتی می خواهند در تاریخ، سند بدهند، از طبری سند می آورند. وقتی مراجعه می کنیم، می بینیم الله اکبر که این مورخ مزدور چه خلاف کاری هایی در تاریخ کرده، که چشم انسان راست می ایستد.

بعضی از محققین شیعه، نقاط ضعف تفسیر طبری را جمع آوری کرده اند و می بینیم که در اصول و ریشه های اعتقادی و تفسیری چقدر انحراف ایجاد کرده است. که جدا کردن آن ها بسیار مشکل است.

در جامعه شیعه و سنی، تاریخ طبری به عنوان یک تاریخ معتبر جا افتاده است.

امام باقرعلیه السلام موضع گیری حادّی علیه اسرائیلیات کردند. این باز گوشه ای دیگر از خدمات حضرت بود که بقر علم کرده یعنی آن علم صحیح را به مردم ارائه کردند و فرمودند: «شَرِّقًا وَ غَرْبًا فَلَا تَجِدَانِ عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا خَرَجَ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (۱۶)

به شرق بروید یا به غرب بروید علم سالم و صحیح پیش ما است.

هر کجا بروید علم آلوده است تنها جایی که می توانید علم درست را به دست آورید نزد ما اهل بیت علیهم السلام است که این علم ریشه اش وحی است (البته شرح و تفصیل دارد و نمی شود همه آن ها را در یک سخنرانی گنجاند).

خدمت بزرگ دیگری که امام باقرعلیه السلام نمودند در مسائل کلامی بود. در آن زمان افکاری در بین جامعه نشر پیدا کرده بود.

مکتبی را که شیخین پایه ریزی کرده بودند از افکار اهل سنت بود که حساب آن ها جداست یکی از بحث های کلامی متوجه این گروه بود. ولی حضرت با چند گروه دیگر نیز مواجه بودند یکی با «مُرْجَعَه»

که بحث مفصّلی دارد که آن‌ها چه کسانی بودند و چه خیانت‌هایی در مسیر علم کلام کردند. گروه دیگر «غلات» بودند یکی از بلاهای بزرگی که در آن زمان بود و امام باقر علیه السلام با آن مواجه بودند این بود که غیر خدا مثلاً حضرت علی علیه السلام را خدا می‌دانستند. خود امیرالمؤمنین با گروه غلات بسیار مشکل داشتند امام باقر و امام صادق علیهما السلام نیز با آن‌ها مشکل داشتند.

و نمی‌دانم این‌ها چطور قرآن می‌خواندند و باز غالی بودند. «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۱ اللَّهُ الصَّمَدُ ۲ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ ۳ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ۴» (۱۷)

آیا صریح‌تر از این می‌شود با کسی حرف زد که خدا درباره توحید حرف زده چطور یک عده ای پیدا می‌شوند و ادعای خدایی می‌کنند. می‌گویند: «انّی أنا الله»، «سبحانی ما أعظم شأنی» و «لیس فی جُبتی الا الله».

مگر ما چند خدا داریم؟ قبل از منصور حلاج خدا نبوده است؟ مثلاً منصور حلاج که به دنیا آمده، خدا بوجود آمده است؟! و همچنین دیگران، مگر نمی‌گوییم علی فرزند ابوطالب است؟ مگر نمی‌گوییم مادرش فاطمه بنت اسد است. خدا که «لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ» است مگر «لَمْ يُولَدْ» را نمی‌بینید؟ کور هستید؟ باز هم می‌گویند علی خدا است؟!!

من هنوز این منطق را متوجه نشده‌ام که چطور انسان صفت خدا را در سوره قل هو الله به این وضوح می‌بیند خدا هم یکی بیشتر نیست و این همه بوق و کرنا، که علی خداست. با هزار وصله توجیهاتی می‌کنند و می‌خواهند علی را خدا کنند.

علی علیه السلام که خود ادعای بندگی می‌کند شما به چه مجوزی او را خدا می‌دانید؟!!

مگر کاسه گرم تر از آش هم می شود؟! من نمی دانم بعضی ها مغز خر می خورند؟!!

یکی از مشکلات مبارزه با غلات بود.

مرحوم حاج میرزا خلیل کمره ای کتاب بسیار نفیسی در مبارزه اهل بیت علیهم السلام مخصوصاً این دو امام بزرگوار با غلات نوشته است.

یکی از مبارزات با خوارج بود که در آن زمان وجود داشتند الآن هم وجود دارند همین سلفی هایی که اسمشان را وهابی می گذاریم و این ها همان خوارج نهروان هستند منتهی با تغییر اسم و شکل و الّا ریشه همان ریشه است و با همان طرز تفکرات مقدّسین خشکی که اسلام را به فضاحت کشیدند. الحمدلّله در این اواخر بعد از اوجی که گرفتند و فعالیت هایی که انجام دادند امروزه با شکست مذهبی و سیاسی مواجه شده اند و دنیای امروز این طرز تفکرات و این انحرافات را به این شکل نمی پذیرد و این ها رو به زوال هستند و انشاء الله خداوند کمک کند تا باقیمانده آن ها نیز جمع شوند و به جهنّم بروند.

می دانید که موضع گیری در مقابل این انحرافات و دفاع کردن از حریم دین کار ساده ای نیست. دقت کنید! در قرآن می خوانیم: کسانی که در راه خدا می خواهند جنگ کنند نباید شل، کور، مریض و پیر باشند. شوخی نیست می خواهند بروند و جهاد کنند، سینه سپر کنند و با دشمن نبرد کنند. قدرت می خواهد نیرو و چشم می خواهد.

«لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ» (۱۸)

بابا تو کوری نمی توانی به جبهه بروی یک آخوند بی سواد اگر می خواهد امروز با خطوط انحرافی مبارزه کند اگر کور باشد معاف است نباید به او اجازه داد با افراد منحرف مبارزه کند. با دو پیچ

و تاب علمی او را به زمین می کوبند.

ما اگر بخواهیم امروز در مقابل این همه انحرافات بایستیم باید مجهز به سلاح علم باشیم، حوزه های ما باید قوی باشد، افکار انحرافی را شناخت داشته باشد، طرز دفاع از حریم دین را باید کامل بداند و باید در این مسیر استعدادهایی بکار بیفتد.

یکی از دوستان طلبه ما با یک مقدار اطلاعات توانست یک خط انحرافی شدید را بکوبد.

ما باید به اطلاعات مجهز باشیم. امروز با بحث های آزادی که بوسیله یک فرزند زهرا در قم انجام گرفت، جهانی از تسنن را به زانو در آورد و چه قدر از مردم را از مسیر انحرافی روی گردان نمود و شیعه شدند.

علم می خواهد، اطلاعات می خواهد، اطلاعات زیاد در دست دارد و با آن دشمن را به زانو در می آورد. کور نمی باید به میدان جنگ برود، شل نباید به میدان جنگ برود انسان دو پا می خواهد تا بتواند راه برود با یک پا نمی شود.

علم و تقوی باید با هم باشند تا بتوانیم مبارزه کنیم اگر لنگ باشید نمی شود؛ بارها گفته ام ما می بایستی با علم نفوذی در مغز مردم و با تقوی نفوذی در قلب مردم داشته باشیم اگر یکی را نداشته باشیم نمی باید مبارزه کنیم، آن که می خواهد به جنگ برود باید سالم باشد اگر بیمار باشد به جنگ رفتنش به نفع دشمن است دشمن او را به عنوان یک فرد به حساب می آورد در حالی که او بیمار و کالعدم است، یک آدمی که که خودش منحرف است بخواهد با دشمن مبارزه کند دشمن از او سوء استفاده می کند. دفاع آدم سالم و بینای دو پا می خواهد نه یک پا، تا

بتواند دفاع کند. خیلی کار مشکلی است.

امام باقر علیه السلام در جامعه جایگاهی داشتند کسی نمی توانست بگوید بالای چشم حضرت ابروست یعنی این قدر قداست و بزرگواری و عظمت داشتند که حتی دشمنان جرأت بیان کردن نقطه ضعف از امام را نداشتند که حضرت را با آن نقطه ضعف زمین بزنند. از نظر علمی هم صغیر و کبیر و همه قشرهای جامعه اقرار به عظمت علمی این بزرگوار داشتند. آن وقت با این دو بال، بال علم و فضیلت و بال تقوی و عصمت توانستند در مقابل این هجمه حملات دشمن سینه سپر کنند و چه قدر موفقیت داشتند.

اگر شیعه امروز در دنیا آبرویی دارد به برکت این دو امام بزرگوار است.

خداوند انشاء الله ما را با این خاندان محشور کند، خداوند ما را سر سفره صادقین علیهما السلام قرار دهد تا بتوانیم از این سفره پر برکت امامین همامین حداکثر استفاده را داشته باشیم و شکر خدا را بجا آوریم که الحمد لله ما از این سرچشمه در علوم خود در حال ارتزاق می باشیم.

و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته

پاورقی ها

(۱) اصول کافی، شیخ کلینی: ج ۱ ص ۴۶۹ ح ۲ «...سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ إِنَّكَ سَتُتَدْرِكُ رَجُلًا مِثِّي اسْمُهُ اسِيحِي وَ شَمَائِلُهُ شَمَائِلِي يَبْقُرُ الْعِلْمَ بَقْرًا فَذَاكَ الَّذِي دَعَانِي إِلَى مَا أَقُولُ...»

(۲) کافی، مرحوم کلینی ج ۱ ص ۵۳ ح ۱۴

(۳) الغدير، علامه امینی ج ۵ ص ۲۰۹ سلسله الکذابين و الوضاعين

(۴) احقاف ۱۵: «و دوران حمل و از شیر باز گرفتنش سی ماه است؛»

(۵) بقره ۲۳۳

(۶) مستدرک الوسائل، ج ۱۵ ص ۱۲۳ ب ۱۲ ح ۱۷۷۳۰: ابْنُ شَهْرَآشُوبَ فِي الْمَنَاقِبِ، كَانَ الْهَيْثُمُ فِي جَيْشٍ فَلَمَّا جَاءَ جَاءَتْ امْرَأَتُهُ بَعْدَ قُدُومِهِ لِسِتِّهِ أَشْهُرٍ بَوْلِدٍ فَأَنْكَرَ ذَلِكَ مِنْهَا وَ

جَاءَ إِلَى عُمَرَ وَ قَصَّ عَلَيْهِ فَأَمَرَ بِرَجْمِهَا فَأَذْرَكَهَا عَلِيُّ ع مِنْ قَبْلِ أَنْ تُرْجَمَ ثُمَّ قَالَ لِعُمَرَ ارْبِعْ عَلَى نَفْسِكَ إِنَّهَا صَدَقَتْ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ وَ حَمْلُهُ وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا وَ قَالَ وَ الْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ فَالْحَمْلُ وَ الرِّضَاعُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا فَقَالَ عُمَرُ لَوْ لَا عَلِيُّ لَهْلَكَ عُمَرُ وَ خَلَى سَبِيلَهَا وَ أَلْحَقَ الْوَلَدَ بِالرَّجُلِ.

(۷) ابراهیم ۲۶

(۸) همان

(۹) مائده ۴۴: «و آن ها به احکامی که خدا نازل کرده حکم نمی کنند کافرنند»

(۱۰) انعام / ۶۲: ثُمَّ رُدُّوْا اِلَى اللّٰهِ مُوَلّٰهُمُ الْحَقُّ اِلَّا لَهٗ الْحُكْمُ وَ هُوَ اَسْرَعُ الْحٰسِبِيْنَ.

(۱۱) بقره ۱۴۴: «نگاه های انتظار آمیز تو را به سوی آسمان می بینم! و اکنون تو را به سوی قبله ای که از خشنود باشی باز می گردانم»

(۱۲) بقره ۱۴۴: «پس روی خود را به سوی مسجد الحرام کن!»

(۱۳) حاقه ۴۴ و ۴۵: «اگر او سحنی دروغ بر ما می بست، ما او را با قدرت می گرفتیم، و رگ قلبش را قطع می کردیم»

(۱۴) نجم ۳ و ۴ و ۵: «و از روی هوای نفس سخن نمی گوید! آنچه می گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست! آن کس که قدرت عظیمی دارد او را تعلیم داده است»

(۱۵) خلاف، شیخ طوسی ج ۱ ص ۳۳

(۱۶) اصول کافی، شیخ کلینی ج ۱ ص ۳۹۹ ح ۳: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع لِسَيِّمَةَ بْنِ كَهَيْلٍ وَ الْحَكَمِ بْنِ عُنَيْبَةَ: شَرُّ قَا وَ غَرِّبَا فَلَا تَجِدَانِ عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا خَرَجَ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ

(۱۷) سوره توحید

(۱۸) فتح ۱۷

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

